

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره هفتم ، شماره بیست و ششم ، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

صفحات: ۴۳ - ۶۴

بررسی رویکردهای انتظامی و اجتماعی پلیس در پیشگیری از

جرم

محمد هادی کاوه*^۱

چکیده

در جوامع انسانی همواره کشمکش و درگیری، نزاع بر سر تصاحب منافع حداکثری، انتقام جویی و تعرض به حقوق یکدیگر امری شایع بوده است. در عصر حاضر نیز جرایم نوظهوری همچون جرایم مافیایی و سازمان یافته، جرایم امنیتی، اقتصادی و موادمخدر و حتی برخی از جرایم خرد نظیر سرقت احساس امنیت را مختل می‌سازد که اقدام جدی جهت مبارزه با آن‌ها را ضروری و روشن ساخته است. سازمان‌های تامین کننده امنیت به منظور پیشگیری از جرایم روش‌های متعدد و متفاوتی را بکار می‌گیرند که در قالب پیشگیری کیفی، وضعی و اجتماعی دسته بندی می‌شود. محقق در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای همراه با توصیف و تحلیل داده‌ها صورت گرفت در می‌یابد که تنوع و پیچیدگی جرائم وبزهکاری، تنوع رویکردهای مقابله و پیشگیری از جرم را ایجاب می‌کند. بنابراین در عمل نمی‌توان سازمان پلیسی را پیدا کرد که صرفاً و بطور خاص به یک رویکرد پیشگیری وابسته باشد و خود را از سایر رویکردها محروم کند. رویکردهای مختلف، هر یک کارایی خاص خود را دارند و در خصوص برخی از جرائم یا گروه خاصی از مجرمان اثر بخشی بالاتری دارند و طبعاً یک سازمان پلیس موفق در امر پیشگیری باید از مجموع این رویکردها کمال بهره برداری را به عمل آورد.

واژگان کلیدی: پلیس، پیشگیری، پیشگیری انتظامی، پیشگیری اجتماعی، جامعه محوری

^۱ - کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول)

بیان مسئله

پلیس یکی از نهادهای رسمی و حاکمیتی است که به طور سنتی در سیاست کیفری غالب کشورها مسئولیت مبارزه با تبهکاران و برقراری نظم و امنیت عمومی در سطح اجتماع را بر عهده داشته و دارد. در واقع پلیس به عنوان دروازه ورود مجرمین به فرآیند کیفری، مسئولیت خطیری را در واکنش علیه پدیده مجرمانه و مجرم ایفاء نموده است اما با این وجود سهم و نقش آن در یک سیاست جنایی پویا و رویکردکنشی بحثی نوپاست که با ارائه الگوها و برنامه های گوناگونی در این فرآیند تلاش شده نقشی مؤثر و کارآمد برای پلیس به منظور پیشگیری از جرم شناسایی و تبیین گردد.

تا پیش از تولد جرم شناسی، کیفر تنها سلاح مبارزه با جرم تلقی می شد و جوامع بشری نیز برای کاهش بزهکاری بیشتر از نظام کیفری و شدت مجازات بهره می گرفتند. به دنبال افزایش نرخ بزهکاری با وجود شدت یافتن مجازات ها؛ برخی اندیشمندان سرعت، حتمیت و قطعیت اجرای کیفر را برای کارایی بیشتر نظام کیفری در کاهش نرخ جرم پیشنهاد کردند. جرم شناسی به عبارتی که بیان شد از دسته بندی بزهکاری، اهداف ویژه ای را دنبال می کند که یکی از آن هدف ها، پیشگیری از بزهکاری و جلوگیری از تکرار جرم است.^۱

از هنگامی که پیشگیری از جرم توسط آنریکوفری با عنوان (هم ارزشهای کیفری) تبیین شد، بسیاری از کشورها کوشیدند تا با بهره گیری از اقدامهای پیشگیرانه، نرخ جرایم را کاهش دهند. به همین دلیل دولت ها بر آن شدند تا با تدوین قوانین جامع و مناسب

۱ نجفی ابرند آبادی، علی حسین ، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی ، مجله تحقیقات حقوقی ، دانشگاه شهید بهشتی ، ش ۲۶-۲۵ ، سال ۱۳۷۸ ، ص ۱۳۸.

پیشگیری از جرم را نهادینه و قانونمند کنند. بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز با قراردادن (اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین) به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه در صدد توجه به این مسئله بوده است. اما از زمان تصویب این بند تا امروز، گام جدی و قابل توجهی برای عملی کردن این مقررہ برداشته نشده است. هر چند که از آن هنگام تا امروز در قوانین عادی مربوطه به شرح وظایف برخی از نهادها و سازمان‌ها به موضوع پیشگیری از جرم به صورت پراکنده اشاره شده است، از جمله قسمت (د) بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹می باشد اما در این رابطه واقعیت مهم این است که رویکردهای کنشی پلیس بمنظور پیشگیری از جرم نیز نگرانی‌هایی را در خصوص سوء استفاده از موقعیت پلیس، روش‌ها و ابزار پلیسی و اجرای اقتدار قانونی نسبت به شهروندان در راستای گسترش تمامیت خواهی دولت‌ها و نادیده گرفتن اصول اساسی برائت و کرامت ذاتی انسان به همراه داشته است. لذا در این منظر باید منتظر ماند تا با توجه به نقش حساس «پیشگیری از جرم» در نظم عمومی حاکم بر اجتماع و با عنایت به آن و در راستای اجرایی شدن بند ۵ اصل ۱۵۶ و بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی، لایحه (قانون) پیشگیری از وقوع جرم به مرحله تصویب نهایی در مرجع تقنینی (مجمع تشخیص مصلحت نظام) برسد.

در جوامع انسانی همواره کشمکش و درگیری، نزاع بر سر تصاحب منافع حداکثری، انتقام جویی و تعرض به حقوق یکدیگر امری شایع بوده است. در عصر حاضر نیز جرایم نوظهوری همچون اعمال تروریستی، جرایم مافیایی و سازمان‌یافته، جرایم امنیتی، اقتصادی، قاچاق انسان و موادمخدر و حتی برخی از جرایم خرد نظیر سرقت به شدت احساس ترس و ناامنی را بر جامعه مستولی ساخته که اقدام جدی جهت مبارزه با آنها را ضروری و روشن ساخته است. لکن مبارزه بی‌امان و مؤثر و به تعبیر صحیح‌تر پیشگیری از وقوع جرایم متکی به عملکرد دولت‌ها و به طور خاص سازمان‌های تامین کننده امنیت از جمله نیروی انتظامی در جمهوری اسلامی ایران است.

پرسش های تحقیق

- ۱- آیا پیشگیری کیفری و وضعی از جرم به تنهایی تامین کننده امنیت در جامعه است؟
- ۲- پیشگیری انتظامی از جرم عمدتاً از طریق چه برنامه ها و تدابیر نظری و عملی در صدد مداخله اولیه و کاهش روند بزهکاری است؟
- ۳- با ورود پلیس به عرصه پیشگیری اجتماعی از جرم، نقش سنتی پلیس در حوزه های پیشگیری انتظامی و کیفری از جرم چگونه محقق می شود؟

روش تحقیق:

روش تحقیق کتابخانه ای و توصیفی-تحلیلی و با فیش برداری از منابع و گردآوری اطلاعات و داده ها انجام گرفته است. جهت تهیه فیش از منابع فارسی و لاتین به مراجع مختلفی از جمله کتاب های جرم شناسی در حوزه پیشگیری ، فهرست های نگارش یافته در کتب و مقالات رایج و پایان نامه های رایج در دانشکده های حقوق و نیز مطالعه روش های رایج و جاری پلیسی در پیشگیری از جرم از جمله دستور العمل های پلیس پیشگیری ناجا همراه با ارائه تصویری جامع از میزان مطابقت یا تعارض این اقدامات با موازین اصول حقوق بشری که در قوانین عادی انعکاس یافته اند ، بهره گیری شده است.

مبحث اول: تعریف مفاهیم

پلیس:

استاد علی اکبر دهخدا در معنا و مفهوم کلمه پلیس چنین نوشته است: "لفظ فرانسوی که در فارسی بمعنی پاسبان اداره شهربانی استعمال می‌شود و پلیس مخفی نیز کارآگاه را گویند یعنی محتسبی که لباس خاصی ندارد تا شناخته نشود"^۲.

با توجه به آنچه درباره پلیس نوشته شد، شاید بتوان تعریفی جامع و مانع در رابطه با پلیس بشرح ذیل ارائه کرد: «سازمان پلیس یک سازمان دولتی است که وظیفه‌اش برقراری و حفظ امنیت عمومی، اجرای مقررات و نظامات اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرائم، کشف و تعقیب جرائم، مبارزه با بزهکار و حمایت از بزه دیده می‌باشد».

نیروی انتظامی، مطابق ماده یک قانون ج.ا.ا. مصوب ۲۷ تیرماه ۱۳۶۹ عبارتست از: سه نیروی مسلح شهربانی، ژاندارمری و کمیته وینا براین شهربانی که در واقع همان سازمان پلیس ایران می‌باشد از این پس تغییر نام داده است و تحت عنوان نیروی انتظامی از آن یاد می‌شود.

پیشگیری

استاد علی اکبر دهخدا در معنا و مفهوم کلمه پیشگیری چنین نوشته است: (معانی پیشگیری عبارتند از عمل پیشگیر، دفع، جلوگیری و پیشگیری کردن، عبارتست از جلوگیری کردن، مانع شدن، جلوگیری و پیش‌بینی کردن و پیشگیری به معنای کسی که جلوگیری می‌کند، آنکه مانع آید، می‌باشد)^۳.

واژه پیشگیری امروزه در معنی جاری و متداول آن دارای دو بعد است: پیشگیری یا جلوگیری کردن هم به معنی "پیش دستی کردن، پیش گرفتن و به جلوی چیزی رفتن" و هم به معنی آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن است اما در جرم شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می‌شود یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور

۲ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد هشتم، حرف پ، چاپخانه مجلس، تهران، سال ۱۳۳۰، ص ۴۴۵.

۳ دهخدا، منبع پیشین، حرف پ، ص ۷۳۳.

جلوگیری از وقوع بزهکاری، هدف به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است.^۴ اما از نظر علمی پیشگیری یک مفهوم منطقی - تجربی است که هم زمان از تاملات عقلانی و مشاهدات تجربی ناشی می‌شود.

مبحث دوم: تاریخچه نقش پلیس در پیشگیری از جرایم

پیشگیری از جرم یک امر غریزی است پدیده تازه‌ای نیست که از قرن هجدهم میلادی به بعد یا در دهه‌های اخیر قرن بیستم میلادی پیدا شده باشد؛ انسان بالفطره پیش گیرنده از جرم بوده همین انسان از زمانی که تاریخ را به یاد دارد؛ بالفطره و به طور غریزی از خود دفاع به عمل می‌آورد، خوداین یک نوع پیشگیری به حساب می‌آید. جرم شناسان به منظور بررسی علمی پدیده مجرمانه تلاش و زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند و روش‌ها و راهکارهای مختلفی در جهت پیشگیری از وقوع جرایم و تحدید جرم پیشنهاد می‌نمایند.

گفتار اول: تاریخچه پیشگیری سنتی پلیسی (انتظامی)

مطالعات و یافته‌های تحقیقات انجام گرفته در قلمرو تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که جوامع بشری برای مقابله با جرم عمدتاً از مجازات، آن هم از نوع شدید آن استفاده می‌کرده‌اند. (یعنی پیشگیری کیفری)

از آنجا که پلیس از ابتدا جزئی از دستگاه قضائی بوده بنابراین پلیس در این جایگاه همان اهداف حقوق جزا را دنبال می‌کرده، که جنبه سرکوبی و واکنشی نسبت به جرایم را داشته است یعنی پلیس منتظر می‌ماند تا جرم صورت گیرد و بعد با کشف جرم و دستگیری مجرمان اهداف خود را دنبال می‌نمود، در اینجا پلیس از طریق دستگیری بزهکاران که موجب ارباب آنان (پیشگیری فردی) و ارباب دیگران (پیشگیری عمومی) می‌شد به نوعی به اهداف پیشگیرانه خود نائل می‌آید.

گفتار دوم: تاریخچه پیشگیری نوین پلیسی (انتظامی)

واژه پلیس در قوانین و مقررات و نیز در افکار عمومی همواره با عنوان ضابط قضایی و باماموریت کشف جرم، دستگیری بزهکاران و به طور کلی با واژه (سرکوبی جرم و مجرم) مرتبط و همراه بوده است و بدین ترتیب نقش پلیس بطور سنتی فقط در چارچوب نظام کیفری تصور می شده است. لیکن به موازات تاکید یافته‌های جرم شناختی بر فایده و اثر پیشگیری در کاهش میزان جرایم از یک سوء و پذیرش نظری علمی نهاد پیشگیری به عنوان قلمرو جدید سیاست جنایی در کنار قلمرو سنتی آن؛ یعنی سرکوبی از سوی دیگر، بینش و اشکال جدیدی از مأموریت و وظیفه پلیس در جامعه، از آغاز سال هفتاد میلادی به بعد ایجاد و مطرح شده است.^۵

بدین سان انواع جدید پلیس، با وظایف متنوعی و اتخاذ تدابیر و انجام اقدام های مختلف به منظور پیشگیری از وقوع جرم (اولیه) و جلوگیری از استقرار وضعیت های خطرناک و جرم زا، در کنار پلیس سنتی ایجاد شده است که نمونه بارز آن ایجاد و تأسیس پلیس های تخصصی در سازمان های پلیسی جهان از جمله ایران در دهه ۸۰ شمسی است.

گفتار دوم: انواع روش های پیشگیری

الف- پیشگیری کیفری^۶

اولین واکنش که جوامع بشری در برخورد با پدیده بزهکاری و مقابله بی امان با بزهکاران بدان دست زدند، مبارزه سرکوبگرانه بود که مدتها به عنوان تنها روش مبارزه علیه جرم تلقی می شد. توسل به کیفر و مجازاتهای صعب و سخت از مشخصات دیرینه سیاست کیفری جوامع برای ایجاد رعب و وحشت در افراد مستعد بزهکاری و جلوگیری از ارتکاب جرم می باشد. امروزه پیشگیری کیفری در مباحث جرم شناسی، حول محوریت فرد قرار داشته و از منظر تأدیبی و اخلاقی با پدیده جرم برخورد می کند.

۵ نجفی ابرند آبادی، همان، ص ۱۴۱

به طور کلی در تعریف پیشگیری کیفری می‌توان گفت، پیشگیری کیفری عبارت است از؛ مجموعه تدابیر و اقداماتی که هدف از اعمال آن کاهش جرم و بزه، ترس و ارعاب در مجرمان برای عدم تکرار جرم های بعدی، جلوگیری از مجرمان بالقوه، تأدیب افراد جامعه علی‌الخصوص مجرمان با هدف افزایش نظم و امنیت عمومی و فردی، کاهش انگیزه‌ها و فرصت‌های مجرمانه در افراد جامعه، دفاع از حقوق قربانیان جرم، در چارچوب قانون می‌باشد.

در تکمیل مطلب فوق باید افزود که صرف [اعمال] مجازات، نه تنها موجب بازداشتن بزهکار از تکرار جرم نمی‌گردد، بلکه در بسیاری از موارد تأثیری منفی بر جسم و روان بزهکار گذاشته و یا موجب از میان برداشتن مرزها بویژه انس با مجازات و ریختن ترس مجرم از مجازات ها می‌شود و وی را برای ارتکاب جرایم مهم تر آماده می‌کند.

با این توضیحات ذکر این نکته در مورد پیشگیری لازم است که یک سیاست کیفری و جنایی سنجیده و فعال می‌تواند همگام با پیشگیری غیر کیفری باشد. هیچ گاه در هیچ جامعه ای حذف حقوق کیفری قابل تصور نیست، چرا که در «ایده آل ترین جامعه ای که تصور شود»، باز نقض ارزش‌ها صورت می‌گیرد. لذا همواره نیاز به تعیین ارزش‌های مورد توجه جامعه و ایجاد ضمانت اجرای مناسب آن وجود دارد. در مجموع از نظر اهمیت، پیشگیری کیفری متأخر از پیشگیری غیر کیفری است. زیرا کیفر همواره به عنوان تنها ضمانت اجرایی پیشگیری از جرم در جامعه بشری مطرح بوده است.^۷

در مجموع اهدافی که از اعمال پیشگیری کیفری مد نظر است به شرح ذیل است:

الف - اصلاح بزهکار از طریق تعلیم و تربیت جسمی و فکری و روانی با به کار گرفتن تعلیق مجازات، اعمال مجازات سالب آزادی و نگهداری بزهکار در محیط های نیمه باز ، باز و آزادی مشروط.

ب - حمایت جامعه از دو طریق :

- تعلیم و تربیت بزهکار برای زندگی مجدد در جامعه ، ضمن اعمال مجازات های سالب آزادی و اقدامات تأمینی و تربیتی.

- طرد بزهکار از زندگی اجتماع ، ضمن اعمال مجازات های حبس دائم ، حبس های طویل المدت و تبعید.

ج - ارباب بزهکار (پیشگیری فردی) : ضمن اعمال کیفرهایی از قبیل جزای نقدی و مجازات های سالب آزادی.

د - ارباب دیگران (پیشگیری عمومی) : با اعمال مجازات های طرد کننده از اجتماع نسبت به بزهکار از قبیل کیفرهایی چون حبس و تبعید و ...^۸

یکی از انواع پیشگیری کیفری، پیشگیری انتظامی است. از ابتدای تاریخ، امنیت به عنوان اولین و ضروری ترین نیاز حیاتی انسان مطرح بوده است. امنیت یکی از اساسی ترین نیازهای اجتماعی است که افراد جامعه باید از آن برخوردار باشند بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود. اصولاً انسان برای رسیدن به یک درجه موفقیت در زندگی و برای حصول به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی که اساس موجودیتش را تشکیل می دهد ، نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد.

پیشگیری انتظامی از آن نظر حائز اهمیت است که حافظ نظم و امنیت اجتماعی است. اجتماع ، هم زمان سرچشمه ی جرم ، قربانی جرم و حامی عاملان اجرای قانون که درصدد کنترل جرم و بزهکاری هستند ، می باشد. بنابراین، کشف و پیشگیری موفقیت آمیز جرم به نوعی به ارتباط خلاق میان اجتماع و مأمورین امنیتی و انتظامی بستگی دارد.^۹

^۸ وهابی، زهرا ، پیشگیری از جرم از منظر جرم شناسی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، تهران، پیش شماره دوم، سال ۱۳۸۲، ص ۱۵۲.

^۹ جی ، ریچارد ، روابط کارآمد پلیس و اجتماع ، ترجمه مهدی خادمی ، مجله امنیت وزارت کشور ، ش ۲، سال ۱۳۷۶، ص ۳۲

نیروهای امنیتی و انتظامی از طرف دولت، مسئولیت تأمین امنیت اشخاص و اموال را به عهده دارند. دولت حق دارد تا هر زمانی که نظم اجتماعی موجود به هر نوعی مورد تهدید واقع شود، به وسیله پلیس و نیروهای امنیتی به مداخله بپردازد.^{۱۱}

ب - پیشگیری وضعی^{۱۱}

وجود فرصت‌ها و مناسبت‌های ارتکاب جرم، همواره یکی از عوامل مهم در بروز بزهکاری بوده و بزهکار را به ارتکاب عمل ترغیب می‌نماید. تردیدی نیست هر چه افراد ضعف نفس بیشتری داشته باشند؛ در مقابل فرصت‌های ارتکاب بزه، آنگاه که منافع حاصله را سهل الوصول می‌بینند، دچار وسوسه بیشتری شده و زودتر به آستانه تحریک می‌رسند.

برخی از جرم‌شناسان اثر فرصت‌ها در بروز بزهکاری را یک عامل قطعی و تعیین کننده دانسته و معتقدند شخص مجرم به عنوان یک عامل ثابت، با ارزش صفر قلمداد می‌شود و فرصت‌های جرم به عنوان متغیرهایی که اگر ارزش مثبت داشته باشند غنیمت شمرده می‌شوند و جرم ارتکاب می‌یابد. با توجه به وجود این گونه متغیرها و به منظور کاهش اثرات آن در بروز جرم، یکی از انواع پیشگیری از جرایم که همان پیشگیری وضعی از جرم است، مطرح می‌شود که هدف آن عبارت است از اتخاذ تدابیر [لازم] به منظور افزایش بهای عمل مجرمانه نسبت به سود حاصل از آن.^{۱۲} این نوع پیشگیری مبتنی بر تغییر وضعیت‌های قبل از وقوع جرم است که به تحدید فرصت‌های ارتکاب جرم و یا مشکل تر کردن تحقق این فرصت‌ها برای مجرمین بالقوه سعی دارد، شرایط را به گونه‌ای ایجاد نماید که پاسخ شخص به آن موقعیت، ارتکاب رفتار مجرمانه نباشد یا دست کم چنین پاسخ‌هایی تقلیل یابند.^{۱۳}

۱۰ میرزایی مطلق، عباد الله، رساله تحقیقاتی نقش پلیس در کاهش و افزایش جرم در استان لرستان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، سال ۱۳۸۱، صص ۲-۱.

^{۱۱} Situation prevention.

^{۱۲} میرخلیلی، همان، ص ۱۵۶.

^{۱۳} شاکری، ابوالحسن، قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه مقالات همایش علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، سال ۱۳۸۲، ص ۸۹.

این نوع پیشگیری به عنوان یک نظریه علمی پذیرفته شده در سطح کشورهای جهان، اصالتاً تأسیسی انگلیسی دارد که توسط سه نفر به نامهای کلارک، می هیو، کرینش مطرح شده و توسعه یافته است.

ج - پیشگیری اجتماعی^{۱۴}

بی تردید مهم‌ترین و نزدیک‌ترین عاملی که در بزهکاری نقش اساسی و مستقیمی را ایفاء می‌کند، اراده مجرم است که گذار از مرحله انگیزه و تصمیم به ارتکاب بزه را تا تحقق کامل آن، هموار می‌کند. واقعیت آن است که دو دسته از عوامل، موجب بروز افکار و اراده مجرمانه می‌شود. دسته اول عواملی هستند که مثل مشکلات حاد روانی از درون بر افکار و اراده فرد تأثیر می‌گذارد و او را به سمت بزه و بزهکاری سوق می‌دهد، دسته دوم نیز شامل علل و عوامل بیرونی از قبیل محیط‌های ناسالم و جرم‌زا و وضعیت فرهنگی، اجتماعی و تربیتی است که زمینه ارتکاب جرم در فرد را فراهم می‌آورد. بنابراین کنترل جرم بدون در نظر گرفتن عواملی که بر اراده و انگیزه مجرمانه تأثیر داشته باشد، عملاً امکان پذیر نمی‌باشد.

سالم‌تر است که در جهان، اهتمام زیادی جهت کاهش نرخ بزهکاری صورت می‌گیرد، لکن متأسفانه تأثیر عملی آن کمتر ملموس بوده است. شاید علت عدم موفقیت، به کار نگرفتن درست عوامل پیشگیرانه، عدم توجه به منافع واقعی موجود در جوامع و ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی جامعه است.

پیشگیری اجتماعی بر این نکته تأکید دارد که انسان تحت تأثیر علل و عوامل اجتماعی، زیستی و ... دست به ارتکاب جرم می‌زند و طبعاً یک سلسله علل و عوامل در فرآیند پیدایش جرم ایفاء نقش می‌کنند.

عدم توفیق رویکردهای کیفری و وضعی در پیشگیری از جرم و تلاش جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در شناخت بهتر زمینه‌های ارتکاب جرم موجب شده تا رویکردی نوین با عنوان پیشگیری رشد مدار^{۱۵} محور مطالعات و اقدامات پیشگیرانه

¹⁴ Social Prevention.

¹⁵ Developmental Crime Prevention.

سازمان های بین المللی و منطقه ای و نیز بسیاری از کشور های پیشرفته جهان قرار گیرد. در این رویکرد که گامی فراتر از پیشگیری از وقوع جرم بوده و به پیشگیری از مجرمیت^{۱۶} می اندیشند ، گرایش به ارتکاب جرم نه یک واقعه بلکه یک مسیر تلقی می شود که از دوران کودکی و نوجوانی آغاز می گردد.^{۱۷} از جمله عواملی که در این راستا اراده مجرم را تحت تأثیر قرار می دهد، عبارتند از محیط خانواده که پایه اساسی در پیشگیری اجتماعی از جرایم است.

ناهنجاری های خانوادگی ، بزهکاری اعضاء خانواده ، اعتیاد ، طلاق و ... از جمله عواملی هستند که تأثیر بسزایی در افزایش بزهکاری افراد دارد.^{۱۸} در تعریف پیشگیری اجتماعی می توان بیان نمود : پیشگیری اجتماعی شامل مجموعه اقدامات پیشگیرانه از جرایم است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عواملی می باشد که در تکوین جرم موثر است. این نوع پیشگیری بر مبنای علت شناسی جرایم استوار است و با دخالت در محیط های اجتماعی مانع از شکل گیری انگیزه های بزهکارانه و خنثی سازی عوامل جرم زا می گردد.^{۱۹} در واقع در تدابیر پیشگیری اجتماعی، نقش خانواده، آموزش، وسایل ارتباط جمعی و سیاست های کلی اجتماعی بسیار اهمیت دارد. به طور کلی می توان گفت که در این نوع پیشگیری با رویکرد کلان به عوامل بروز بزهکاری از قبیل : فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی توجه می شود و با توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... در جامعه از بروز بزهکاری جلوگیری می گردد.^{۲۰} در پیشگیری اجتماعی در ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی که منجر به اصلاح جامعه و فرد و همچنین منجر به جلوگیری از بروز جرم به صورت پایدار و همیشگی می گردد، تأکید شده است.

16 Criminality Prevention.

^{۱۶} مهدوی، مهدی ، پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار) ، انتشارات سمت ، سال ۱۳۹۰ ، ص ۱.

^{۱۸} شاکری،منبع پیشین،ص ۴۲.

^{۱۹} شاکری،همان،ص ۱۱.

^{۲۰} زینالی ، حمزه ، پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران ، فصلنامه رفاه اجتماعی ،ش ششم ، سال ۱۳۸۱، ص ۱۰۳.

در این نوع پیشگیری هدف؛ هماهنگ سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی بوده و محور اقدامات در پیشگیری، (فرد) است. به عبارت دیگر، پیشگیری اجتماعی همانند پیشگیری کیفی مجرم مدار و فرد مدار است. در حالی که پیشگیری وضعی بزه دیده مدار و آماج مدار می باشد. نکته مهم تر آن است که پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه در صدد آن است تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القاء کند و قدرت ارزشیابی عملکرد خویش را به او بدهد.

این نوع پیشگیری از اقداماتی تشکیل می شود که بر انواع محیط های پیرامون فرد تأثیر می گذارند. کلیه این محیط ها در فرایند جامعه پذیری یک فرد نقش داشته و دارای کارکردهای اجتماعی هستند هر یک از محیط های خانه، مدرسه، دانشگاه، دوستان، همسالان و ... در یک مقطع خاص زمانی بر فرد اثرات مستقیم و بیشتر داشته و فرایند جامعه پذیری را تسهیل می کند.^{۲۱}

در پیشگیری اجتماعی تلاش می شود که با انجام برنامه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و نظایر آنها و درمان نارسایی های اجتماعی و بالا بردن ارزش های اجتماعی و اخلاقی شرایط یک منطقه و نیز وضعیت مجرمان بالقوه اعتلاء یافته و این روند به کاهش میزان جرم می انجامد. نکته اساسی در این مدل از پیشگیری، تخصص و اندیشه و تلاش مضاعف است زیرا به جهت گستردگی و پیچیدگی موضوع ممکن است علی رغم سرمایه گذاری های هنگفت و کلان نتیجه مورد نظر در کاهش جرم حاصل نیاید. پیروان مدل پیشگیری اجتماعی (اصلاحی) که به پوزیتویست ها یا مکتب تحقیقی (تحصلی یا اثباتی) معروف هستند، بر این عقیده اند که از طریق شناخت علل ارتکاب جرم (اعم از فردی و اجتماعی) و برطرف کردن آن ها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی مثل درمان بیماری ها و نارسایی های جسمی و روحی، تبیین و بالا بردن ارزش های اجتماعی و ثبات و وابستگی به آنها، تقویت نهادهای اجتماعی مثل خانواده، مدرسه، توسعه و تعالی

^{۲۱} رجبی پور، محمود، راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم (تعامل پلیس و دانش آموزان)، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره سوم، سال ۱۳۸۲، ص ۲۲.

فرصت‌های اقتصادی ، تحصیلی، تفریحی، مسکن و امثال این‌ها را می‌توان از ایجاد تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری کرد و نهایتاً آن‌ها را از غرق شدن یا کشیده شدن به سوی شیوه‌های مجرمانه زندگی نجات داد. افتخار این طرز تفکر با تمامی گرایش‌ها آن در این است که مدعی مبارزه با علت و خشکاندن ریشه‌ی جرم است. در این رویکرد، به رغم وجود زاویه دید کاملاً متفاوت با جرم و مجرمیت، همه جرایم معلول یک سری عوامل شناخته شده فرض شده‌اند و بنابراین مثل رویکرد پیشگیری کیفری، همه انواع جرایم را با یک روش قابل پیشگیری فرض می‌کنند. هر چند شیوه‌ها و ابزار آن تا اندازه‌ای متفاوت است. در این دیدگاه (دست کم در برخی از گرایش‌های آن مثل مکتب تحقیقی لمبروزویی) جرم یک عمل یا رفتار ضد اجتماعی، ناهنجار یا غیر عادی است و مرتکبین جرایم صریحاً افرادی متفاوت از دیگران معرفی می‌شوند به این معنی که کلیه جرایم توسط عده‌ای محدود و با خصوصیات و ویژگی‌های شخصی و اجتماعی متفاوت از دیگران ارتکاب می‌یابد. علاوه بر این ، ارتکاب جرم توسط این افراد عملی جزمی و اجتناب ناپذیر بوده و جزء از طریق درمان عامل ایجاد کننده جرم قابل پیشگیری نیست. زیرا همه ی مرتکبین، در واقع دارای نوعی اجبار در ارتکاب جرم هستند. منتهی درجه اجبار در گونه‌های مختلف مرتکبین فرق می‌کند و خطرناک‌ترین یا به بیانی منفورترین آنها مرتکبین بالفطره^{۲۲} یا مادرزادی هستند. هر چند در بین پیروان این رویکرد، نظرات متفاوت وجود دارد که برخی فرد و خصوصیات وی و بعضی نیز اجتماع و مشکلات اجتماعی را علت العلل دانسته و با تأکید بر یک یا دو عمل به تحلیل و تبیین ارتکاب جرم و در نتیجه روش پیشگیری آن می‌پردازند.

۲۲ برای اطلاع بیشتر در مورد طبقات مرتکبین به کتب جرم شناسی خصوصاً زمینه جرم شناسی نوشته دکتر رضا نوربها مراجعه شود. لازم به یادآوری است که یافته‌های تحقیقاتی موجود، مرتکبین مادرزادی و بالفطره را تایید نمی‌کند و با آموزه‌های دینی نیز این مسئله هماهنگ نیست.

گفتار سوم: پیشگیری پلیسی (انتظامی)

الف - جایگاه پلیس و پیشگیری از جرم

مطالعه‌ی تطبیقی پیرامون وظایف پلیس در دنیا نشان می‌دهد در بسیاری از کشورهای جهان مهم‌ترین وظیفه در امر پیشگیری از جرم بر عهده‌ی دستگاه پلیس قرار دارد. به عنوان مثال در انگلستان، این نقش بر عهده‌ی پلیس آن کشور است همچنین در کشور قبرس نیز این گونه است. اهمیت اقدامات بازدارنده از جرم توسط پلیس از دیر باز مورد توجه محافل و مجامع بین‌المللی در سطح جهان بوده است. به همین منظور در بیست و یکمین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل برای یافتن طرقی که پلیس کشور های عضو سازمان مزبور جلوگیری از وقوع جرم را جزء اهداف دائمی قرار دهند، چنین مقرر شده است:

«مجمع عمومی آرزومند است که مقامات پلیس تمام کشورها اقدام لازم را برای توسعه‌ی فعالیت‌های پلیسی در زمینه جلوگیری از جرم به عمل آورند و اهمیت این کار را به کلیه‌ی آموزشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی پلیس تأکید نمایند و هر گاه لازم باشد واحد یا اداره‌ای برای جلوگیری از وقوع جرایم به ویژه جرایم اطفال تأسیس کنند.»^{۲۳}

در کشور ما نیروی انتظامی در مقام دستگاه پلیس به عنوان بازوی توانمند دستگاه عدالت کیفری محسوب می‌گردد که کشف و پیشگیری از جرم از جمله کارکردهای اساسی آن به شمار می‌رود. نیروی انتظامی از طرف دولت مسئولیت تأمین امنیت اشخاص و اموال آنان را در جامعه برعهده دارد. لازمه‌ی موفقیت این ابزار اساسی دستگاه عدالت کیفری، علاوه بر تغییرات درون سازمانی و توفیق هر چه بیشتر در دستیابی به علوم و فنون پلیسی و استفاده از تجارب خود و دیگران بستگی به عواملی دارد که معمولاً خارج از محدوده‌ی پلیس یعنی عرصه اجتماع است، لذا ایجاد رابطه‌ی مؤثر میان پلیس و اجتماع، شرط اساسی در جهت افزایش توانایی پلیس در امر پیشگیری از جرم خواهد بود.^{۲۴}

۲۳ نقش پلیس و جلوگیری از جرم واقدامات آینده اودر این زمینه، مجله شهربانی، سال ۱۳۴۶، ص ۳۸۹
۲۴ ر.ک: ماورانی، سیدوه، سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، سال ۱۳۸۴

ب - نقش پلیس در پیشگیری از جرم براساس قانون

در قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان مهم‌ترین مرجع قانونی کشور و قانون مادر، پیشگیری از جرم در فصل یازدهم و صراحتاً در اصل ۱۵۶ تصریح شده است.

براساس اصل مورد نظر یکی از وظایف قوه قضائیه، «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» است. اما این یک واقعیت غیر قابل انکار است که قوه قضائیه در ارتباط با جرایم، عمدتاً زمانی وارد صحنه می‌شود که جرم به وقوع پیوسته باشد. بنابراین اگر چه مدیریت و مسئولیت قانونی در رابطه با پیشگیری از جرم بر عهده این قوه است اما در عمل، سازمان‌های دیگری نیز هستند که زمینه‌های پیشگیری از جرم را محقق می‌سازند و یا در مقام عمل این قوه را در این امر مهم یاری و مساعدت می‌دهند. یکی از این سازمان‌ها همانا پلیس به عنوان مسؤول مستقیم امور انتظامی است که از دو جنبه وارد حوزه پیشگیری می‌شود.

پلیس در نقش ضابط قضایی عهده دار امر پیشگیری است و در چهارچوب قانون و براساس سیاست کیفری عمل می‌کند. اما وظیفه‌ی پلیس در بحث پیشگیری، محدود به این سطح از پیشگیری نیست بلکه بر اساس بند ۱۸ از ماده ۴ قانون ناجا، پلیس همگام با سایر سازمان‌ها و در تعامل جدی با آن‌ها، زمینه‌های اقدامات فرهنگی را در جهت کاهش جرایم فراهم می‌آورد.

بر همین اساس این ماده دقیقاً ناظر بر اقدامات اجتماعی پیشگیرانه از جرم است که قانونگذار به درستی آن را ملحوظ نظر قرار داده است. بدیهی است با نگاهی به بند ۸ از ماده ۴ و بند ۱۸ از همین ماده مشخص می‌گردد، قانون برای پلیس در مقام پیشگیری از جرم دو نقش قائل شده است. در نقش اول پلیس به عنوان ضابط و در چهارچوب سیاست‌های کیفری یا جنایی و تحت نظارت مقامات قضایی عمل می‌کند و در نقش دوم، پلیس به عنوان یک سازمان و یا نهاد همچون سایر سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی اقداماتی را (عمدتاً فرهنگی و اجتماعی) انجام می‌دهد که جلوه‌ی اقدامات اجتماعی پلیس یا فعالیت جامعه محوری پلیس محسوب می‌گردد. نظر به اهمیت این دو

سطح از پیشگیری ضروری است که هر دو سطح از پیشگیری به طور جداگانه مورد بحث قرار گیرد.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

در پایان باید بیان داشت که تدابیر پیشگیرانه انتظامی (پلیسی) در ایران در هر دو زمینه پیشگیری وضعی به علت عدم فراهم شدن بسترهای قانونی و رویه‌های تمامیت خواه در تامین امنیت و نیز در زمینه پیشگیری اجتماعی به علت عدم سرمایه گذاری کافی و توجه لازم نهادهای حاکمیتی با معیارهای حقوق بشری (منعکس در اسناد سازمان ملل) فاصله چندانی دارد. هر چند با اعتقاد بر اینکه پیشگیری انتظامی زیر مجموعه محض هیچ یک از سه نوع پیشگیری رایج در دانش جرم شناختی (کیفری، اجتماعی و وضعی) نیست بلکه ترکیبی از سه نوع پیشگیری مذکور است، باید توجه داشت که پلیس نمی‌تواند با توجیه تامین نظم و برقراری امنیت از تعهدات حقوق مدنی - سیاسی و حقوق اقتصادی - اجتماعی سرباز زند.

سازمان ملل اصول راهبردی را برای پیشگیری موفقیت آمیز از جرایم تدوین کرده است که به مناسبت ارتباط با بحث بدان اشاره می‌شود:

- ۱- پیشگیری از جرم باید حاکمیت قانون را ترویج نماید.
- ۲- پیشگیری باید شامل توسعه اقتصادی، اجتماعی و ضمایم آن باشد.
- ۳- پیشگیری از جرم باید جامعه محور باشد.
- ۴- دهکده جهانی باید مشارکت نزدیک را بین خودشان ایجاد کنند.
- ۵- پیشگیری از جرم باید بر مبنای پاسخگویی و پایداری، توسعه و ارتقا یافته باشد.

بنابراین از نظر پیشگیری اجتماعی ، مشارکت شهروندان و سایر نهادهای اجتماعی در اداره امور مربوط به حفظ نظم ، امنیت و پیشگیری از بزهکاری در جامعه می‌تواند ضمن اینکه روند مشارکت مردم در امور عمومی را محقق سازد ، ابعاد حقوق شهروندی را نیز ارتقا داده و هزینه‌های مادی و معنوی حفظ نظم، امنیت و پیشگیری از جرم و بزهکاری را به نحو قابل قبولی کاهش دهد. در عین حال این امکان را به وجود می‌آورد که روابط متقابل پلیس و جامعه از حالت بدبینی و تخاصم خارج شده و بیشتر معطوف به اعتماد، همدلی و همکاری شود که این امر موجبات آرامش شهروندان از یک سو و کاهش مشکلات پلیس از سویی دیگر خواهدشد. از آنجائی که پیشگیری از جرم امری چند بخشی است در یک رویکرد مبتنی بر پیشگیری اجتماعی که از پایداری و عمق بیشتری برخوردار است، مشارکت همگانی ، جذب حداکثری و رسیدن به اعتماد و مقبولیت عمومی نقش مؤثری در موفقیت برنامه‌های پیشگیرانه پلیس دارد که بایستی مورد توجه پلیس قرار گرفته و از انزوای شهروندان و ایجاد احساس عدم مسئولیت در امر پیشگیری خودداری گردد، زیرا نتیجه عدم احساس مسئولیت مردم جامعه در قبال جرم، آشفستگی و هرج و مرج است.

از سویی دیگر در وضعیت موجود و حتی آینده امکان توسعه نظم و امنیت بدون نقش مردم و رویکرد جامعه مدارانه وجود نداشته ، پلیس و دیگر دستگاه‌های مسئول به تنهایی قادر به تولید، نگهداری و بسط نظم و امنیت نخواهند بود. به همین دلیل رویکرد پلیس جامعه محور در امر پیشگیری توصیه شده که با انتقاداتی چون آسان‌گیری نسبت به مجرمین روبرو شده است. اما واقعیت این است که این رویکرد به معنی تسامح در برابر مجرمین نیست بلکه مشارکت با مردم در پاسخ به انتظارات و خواسته‌های آنان با ارائه خدمات بهتر است و در نهایت نیز برنامه‌ها و الگوهای پلیسی در پیشگیری اجتماعی از جرم باید حقوق زنان، کودکان، نوجوانان و اقلیت‌های نژادی و مذهبی را به جهت ویژگی خاص و آسیب پذیری شان بیشتر مورد توجه قرار دهد تا از موارد نقض حقوق بشری در این حوزه پیشگیری شود.

بر همین اساس تنوع و پیچیدگی جرائم و بزهکاری مجرمان بالقوه، تنوع رویکردهای مقابله و پیشگیری از جرم را ایجاب می‌کند. بنابراین در عمل نمی‌توان سازمان پلیسی را پیدا کرد که صرفاً و بطور خاص به یک رویکرد پیشگیری وابسته باشد و خود را از سایر رویکردها محروم کند. رویکردهای مختلف، هر یک کارایی خاص خود را دارند و در خصوص برخی از جرائم یا گروه خاصی از مجرمان اثر بخشی بالاتری دارند و طبعاً یک سازمان پلیس موفق در امر پیشگیری باید از مجموع این رویکردها کمال بهره برداری را به عمل آورد. به نظر نگارنده آشنایی با رویکردهای گوناگون و استفاده از تجربیات پلیس سایر کشورها و واقع بینی و بومی سازی این تجربیات و بروزرسانی آن‌ها به اثر بخشی فعالیت‌ها و اقدامات پیشگیرانه پلیسی و انتظامی پلیس در نظام اجتماعی کمک شایان توجهی خواهد کرد و راه را برای تحقق مشارکت عمومی شهروندان در تامین نظم و امنیت عمومی با رعایت دقیق حقوق قانونی آنان هموار می‌سازد. پلیس زمانی حداث کارایی را در زمینه پیشگیری خواهد داشت که در مشارکت با اعضای اجتماع تعامل مثبت و سازنده‌ای داشته باشد.

منابع

۱. اچ بیلی، دیوید، پلیس آینده، (۱۳۷۹) ترجمه غلامرضا زندی، چاپ اول، تهران، انتشارات معاونت تربیت و آموزش ناجا.
۲. آخوندی، محمود، (۱۳۸۲) آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. آرت، هانا، توتالیتاریسم، (۱۳۶۳) ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران، انتشارات جاویدان.
۴. آشوری، محمد، (۱۳۸۲) جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، نشر گرایش.
۵. آنسل، مارک، (۱۳۷۵) دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۷۹) حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۷. اتینکسون، آن، (۱۳۸۵) پلیس جامعه محور در مدرسه، ترجمه سروش بهربر، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
۸. انصاری، ولی الله، (۱۳۸۰) حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۹. احمدی، احمد، (۱۳۸۷) نقض حریم خصوصی؛ چالش فراروی پیشگیری وضعی از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، دفتر مطالعات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، شماره ۶
۱۰. ایزدی، حسین، (۱۳۸۴) امنیت اجتماعی و کنترل اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، انتشارات آشنایی.
۱۱. امیدی، جلیل، (۱۳۸۳) حقوق دفاعی متهم، مجموعه علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت.
۱۲. ادوارد دای بولت و دیگران، (۱۳۷۶) مدیریت پلیس براساس پیشگیری از وقوع جرم، ترجمه گروه مترجمین اداره کل پژوهش و تألیفات ناجا، مجله معاونت تربیت و آموزش ناجا.

۱۳. ابراهیمی، شهرام، (۱۳۸۹) کنگره های پنج سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری؛ دستاوردها و دورنماها، مجله حقوقی دادگستری شماره ۵۲ و ۵۳
۱۴. ابراهیمی، شهرام، (۱۳۷۸) پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، رساله دکتری، حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۵. صوفی زمرّد، محسن، (۱۳۹۰) الزامات حقوق بشری پلیس در پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. زارعیان جهرمی، عبدالعلی، (۱۳۸۰) اقدامات مناسب در پیشگیری از جرم و اصلاح مجرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۷. شاطری پور، شهید، (۱۳۸۵) مطالعه جرم شناسی کنوانسیون پالمو و مریدا، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. کشفی، سید سعید، (۱۳۷۷) بررسی تطبیقی اختیارات پلیس در فرآیند کیفری در حقوق ایران، انگلستان و ولز، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۹. میر خلیلی، سید محمود، (۱۳۷۸) پیشگیری از بزهکاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، مجتمع آموزش عالی قم.
۲۰. میر خلیلی، سید محمود، (۱۳۸۵) پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام، رساله دکتری، حقوق جزا و جرم شناسی، مجتمع آموزش عالی قم.
۲۱. میرزایی مطلق، عبادالله، (۱۳۸۸) نقش پلیس در کاهش و افزایش جرم در استان لرستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
22. Ashworth, Andrew. Principles of Criminal Law, Oxford University Press, 1997.
23. Charles Call, (challenges in police Reform: promoting Effectiveness and Accountability), International peace Academy, 2003, p.4.
24. David L. weisburd, police Innovation and Crime prevention: Lessons Learned from police research over the past 20 year, paper presented at the National institute of justice (NIJ) policing research workshop: planning for the Future, Wadhwashington, DC November 28-29 2006 p.12
25. Daniel neyland privacy, surveillance and public trust, palgrave Macmillan press 2007. p.2 .
26. Irvin Waller , The Role of the Police in Crime Prevention, International Center for the Prevention of Crime , Synthesis Report of the Montreal Seminar , November 10-13 1998, p.3.
27. Lawrence E. Mitchell, community Based Strategies for peace and security , presented in partial completion of the requirements of The certificate-of-Training in united nations peace support.

Investigating the Police and Social Policies of Crime Prevention

Mohammad Hadi Kaveh^{1*}

Received: 2017/11/21

Accepted: 2018/03/06

Abstract

In human societies, raisins, conflicts over maximum interests, revenge, and harassment of the rights of each other have always been rampant. In the present era, the emerging crimes of mafia and organized crime, security, economic, and drug crimes and even some minor crimes such as robbery disrupts the sense of security that has made it necessary to take serious action to combat them. . Providers of security are using a variety of methods to prevent crime, which are categorized as criminal, social, and social prevention. The researcher in this study, which carried out with the library methodology, with the description and analysis of the data, finds that the diversity and complexity of offenses and crime require a variety of coping approaches and crime proceeding. Therefore, in practice, one can not find a police organization that relies solely and specifically on a preventive approach and deprives itself of other approaches. Different approaches each have their own specific performance and are more effective in some of the offenses or a specific group of offenders. Naturally, a successful police organization must take advantage of all these approaches.

Key words: Police, Prevention, Police Prevention, Social Prevention, Civic Society

^{1*}- Master of Science in Criminal Justice and Criminology